

# مبانی و دستاوردهای شوراهای حل اختلاف

## در قوه قضائیه

دکتر محمدعلی خیرالهی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

### ◆ چکیده:

دین مبین اسلام بر منزلت شورا تأکید فراوان نموده است. قرآن کریم دارای آیاتی در مورد صلح و سازش می باشد: مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید. مجلس شورای اسلامی مقدر داشته است: به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکتهای مردمی، رفع اختلافات محلی به شوراهای حل اختلاف واگذار می گردد. مسئله صلح و سازش دارای پیشینه است به عنوان مثال در قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق دادگاه آمده است: دادگاه بدواً از طریق مصالح نسبت به تأمین خواسته زوج اقدام مینماید. از قانون منشور کنفرانس اسلامی آمده است: هر گونه اختلافی که در تفسیر یا اجرای هر یک از مواد منشور حاضر بروز نماید به طور مسالمت آمیز و در کلیه موارد از طریق مشاوره و مذاکره و سازش، یادآوری و حل و فصل خواهد شد. پیشینه این امر در احکام و آرای که با صلح و سازش خاتمه یافته بهتر مشخص می گردد. در دادنامه مورخ ۷۳/۱/۱۴ شعبه سوم دیوان عالی کشور که طلبکار با نامه ای به وکیلش آقای (ح) نوشته که موضوع به سازش خاتمه یافته فلذا دعوی مختومه گردد. معذالک وکیل او با سوهنیت پرونده را تعقیب و اجرائیه صادر نموده است که تقاضای توقیف عملیات اجرائی و ابطال اجرائیه را داشته است که با خاتمه یافتن موضوع با سازش این پرونده مختومه می شود. در پرسشنامه از روش توضیحی استفاده شده است زیرا ما فقط به دنبال نگرش های آماری نبوده ایم بلکه نظرات فنی افراد مورد پرسش مورد توجه بوده است.

نتیجه تحقیقات علمی و پرسشنامه ای: امروز کارشناسان دنیا معتقدند به تمام اختلافات نباید در دادگستری ها رسیدگی شود. پرونده ها اگر به صدور رای منجر شوند شورا از رسالت اصلی خود باز می مانند. آیین نامه اجرایی شورای حل اختلاف از یک سو برای شورا، اختیاراتی بالاتر از اختیارات دادگاه قائل شده و از سوی دیگر در تعیین شرایط لازم برای تصدی عضویت شورا تسامح کرده است. پرونده هایی به شورای حل اختلاف ارجاع می شوند که جنبه خصوصی ندارند مانند رانندگی بدون پروانه. طرح جالبی در زمینه راه اندازی دفاتر شورای حل اختلاف در مساجد در حال اجراست. باید شوراهای تخصصی شوند. اعضای شورا از وضعیت بودجه ای آن ناراضی بوده با توجه به کمبود قاضی وجود شوراهای حل اختلاف این کمبود را تا حدودی جبران کرده است. برخی قضاوت های اعضای این شوراهای سطحی بوده و موجب اطلاع دادرسی شده است. ما از رسانه ها توقع داریم که این تجربه خوبی که ایران به کار گرفته است را به مردم معرفی کنند.

کلمات کلیدی: شورا، حل اختلاف، قرآن، پیشینه، پرسشنامه.

به نام آنکه صلح و دوستی را شعار ادیان الهی قرار داد و درود و تحیت بر رسول مکرم اسلام که خود را مبعوث شده برای تکمیل مکارم اخلاق معرفی کرده است و سلام بر خاندان پاکش.

۱- دین مبین اسلام بر منزلت شورا تأکید فراوان نموده است. آیات و روایات فراوانی بر این موضوع دلالت دارند از جمله آیه شریفه ۳۸ از سوره مبارکه شورا که می فرماید: "و آنان که امر خدا را اطاعت و اجابت کردند و نماز بر پا داشتند و کارشان را با مشورت یکدیگر انجام دادند و آیه ۱۵۹ سوره آل عمران در سفارش پیامبر به مشورت با اهل ایمان " بر آنان ببخشای و بر ایشان طلب آموزش کن و در امور با ایشان مشورت نما و آنگاه که تصمیم گرفتی توکل بر خدا کن که خداوند توکل کنندگان را دوست دارد."

امروزه کارشناسان دنیا معتقدند به تمام اختلافات نباید در دادگستری ها رسیدگی شود و موضوع واگذاری حل اختلاف و امور مربوط به قضا به مردم نه یک کار جدید بلکه در فقه اسلام نیز بدان تأکید شده که تا قبل از این مورد توجه واقع نشده بود. برای مشارکت دادن مردم در کارهای مربوط به خودشان لازم است مسئولیت هایی به آنها واگذار شود که انجام این کار به تحقق مرد سالاری دینی کمک خواهد کرد.

در اصل هفتم قانون اساسی نیز در جهت تأمین این هدف مقرر داشته: طبق دستور قرآن کریم: "وامرهم شوری بینهم" و "شاورهم فی الامر" شوراها: مجلس شورای ملی شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. ریاست محترم قوه قضاییه بر تشکیل شوراها تأکید داشته و یکی از راههای پیشگیری و درمان انباشتگی پرونده ها در محاکم دادگستری و همچنین ایجاد فرهنگ صلح و سازش را تشکیل خانه های داوری دانسته اند.

این مقاله خلاصه ای از یک طرح پژوهشی است که به مبانی قرآنی و حقوقی صلح و سازش نظر داشته و به دلیل نازگی بحث، سابقه تحقیق در این خصوص بسیار کم بوده است که ما با مراجعه به منابع اسلامی و پیشینه صلح و سازش در احکام دادگاهها و قوانین مصوب به غنای بحث افزوده و در خاتمه با انجام یک سری مصاحبه های حضوری با اعضای شوراهای حل اختلاف، مراجعین، قضات و وکلای، دیدگاههای آنان را در خصوص نقاط قوت و ضعف و راهکارها آورده ایم.

## اول. کلیات.

### ۱- داوری.

داوری عبارت است از رفع اختلافات فیما بین افراد جامعه از طریق رسیدگی و صدور رأی توسط افرادی که یا طرفین دعوی، آنها را باتراضی یکدیگر انتخاب می نمایند و یا اینکه مراجع قضایی آنها را بر می گزینند به این ترتیب در داوری و حکمیت، افراد دعوی خود را از مداخله مراجع قضایی خارج ساخته اند. باتوجه به تعریف فوق، داوری به دونوع اختیاری و اجباری قابل تقسیم است. در داوری اختیاری که موضوع مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است داور با تراضی طرفین تعیین میگردد. در داوری اجباری، طرفین دعوی یا یکی از آنها بدون داشتن تمایلی در رجوع به داوری، مطابق قانون، مجبور به رجوع به داور در اختلاف فیما بین می باشند از جمله موارد داوری اجباری می توان به ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام در تعیین داور توسط زوجین اشاره نمود.

### ۲- مجادله:

از آنجا که بسیاری از اختلافات و دعاوی ریشه در جدال و خصومت دارد نکاتی در باب مجادله بیان می گردد. مجادله یعنی آن که هر یک از طرفین سعی کند به هر نحوی و از هر طریقی بر حق بودن خود و باطل بودن طرف مقابلش را به اثبات رساند اگر چه حتی حق هم با او نباشد. امام هادی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: مجادله دوستیهای قدیمی را تباه میسازد و رشته اعتماد را پاره می کند. (علامه مجلسی - محمدباقر - بحارالانوار - ج ۷۸ - ص ۳۸۰)

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: از مجادله و خصومت بپرهیزید زیرا این دو دل‌های برادران را نسبت به یکدیگر بیمار و چرکین می کنند و نفاق را می رویانند. (همان - ج ۷۳ - ص ۳۳۹)

### ۳- شوراهای حل اختلاف.

- به طور کلی می توان گفت اهداف تشکیل شوراهای حل اختلاف عبارتند از:
۱. جلوگیری از بسط برخی دعاوی ساده به مراجع قضایی و مخومه نمودن آن از طریق مذاکره و به تفاهم رساندن اصحاب دعوی قبل از مطرح شدن در مراجع قضایی.
  ۲. جلوگیری از تجمع پرونده ها در دادگستری که ملازمت با ازدیاد کادر اداری و

قضایی داشته و با توجه به امکانات فعلی، رشد جمعیت و بالتبع افزایش رشد دعاوی، عملاً غیر ممکن است.

۳. رسیدگی سریعتر به دعاوی اختلاف حاصله فیما بین افراد جامعه از طریق داوری به علت مختومه شدن بسیاری از آنها در مراحل اولیه و عدم لزوم ادامه عملیات دادرسی. همچنین از آنجا که رسیدگی توسط شوراها حل اختلاف بدون رعایت آیین دادرسی و تشریفات مربوطه می باشد لذا در صورت عدم حصول تفاهم، صدور حکم سریعتر صورت گرفته و دعوی خاتمه پیدامی کند.

۴. از آنجا که شورا، مرجع قضایی نیست، اقامه دعوی رسیدگی در آنها تابع هزینه های مربوطه از جهت هزینه اقامه دعوی و تجدید نظر خواهی از حکم و حتی مرحله اجرا در مراجع قضایی نبوده و رسیدگی و اجرای حکم به صورت مجانی می باشد لذا مشکلات مالی ا فشار ضعیف جامعه مانع از اقامه دعوی آنها نمی گردد.

۵. کاهش کار مراجع قضایی که موجب فراغت بال قضات در رسیدگی به دعاوی پراهمیت می گردد توضیح اینکه باتوجه به افزایش رو به رشد پرونده ها که شماره قابل توجهی از آن دعاوی ساده و کم اهمیت بوده و توجه فزاینده به مسئله آمار و مثبت بودن آن (بالا بودن آمار پرونده های مختومه نسبت به وارده) که بالتبع موجب عدم امکان رسیدگی دقیق به پرونده ها خصوصاً دعاوی مهم می گردد، ارجاع دعاوی ساده به مراجع غیر قضایی می تواند موجب فراغ بال قاضی در رسیدگی به دعاوی ارجاعی که باتوجه به محدوده صلاحیت شوراها، از دعاوی مهم می باشد شده و از یک طرف فشار کار بر قاضی کاهش یافته و از جهت دیگر موجب صدور آراء محکم و متقن و در نتیجه برقراری عدالت قضایی که از اهداف تشکیل دادگستری و قوه قضاییه است، می گردد.

ایجاد فرهنگ صلح و سازش در جامعه، کاهش توقعات مردم از مراجع قضایی و رشد این تفکر در اذهان که دادگستری تنها و بهترین مرجع فصل خصومت نبوده بلکه رفع اختلافات از طریق کدخدانمنشی به صلاح طرفین دعوی و جامعه است.

## دوم. مبانی قرآنی شورای حل اختلاف.

### آیات صلح و سازش.

قرآن کریم که منادی صلح و دوستی میان انسانهاست دارای آیاتی در مورد صلح و سازش می باشد که ما این آیات را بیان می کنیم.

۱- ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم أن تبروا و تتقوا و تصلحوا بین الناس والله سمیع علیم [بقره ۲۲۴] خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید!) و خداوند شنوا و داناست.

چنین معنا می دهد که بسیار به خدا سوگند نخورید، که اگر چنین کنید باعث میشود که دیگر موفق به نیکی و تقوا و اصلاح بین مردم نشوید، زیرا کسی که بسیار به خدا سوگند میخورد، نام خدا دیگر در نظرش عظیم نمی ماند و سوگند به او را عملی سبک می شمارد، چون هر عملی که تکرار شد از اهمیت می افتد، و چنین کسی از دروغ هم پروا نمی کند، و دروغ هم بسیار خواهد گفت و این ضرر روانی سوگند بسیار است.

و اما ضرر اجتماعی آن، این است که جامعه، برای چنین فردی ارزش و منزلتی نمی شناسد، چون همه می فهمند که او برای خودش حرمتی در نظر مردم قائل نیست، و خودش میدانند که هر چه بگوید، جامعه آن را نمی پذیرد، و تکذیبش میکند و نیز می فهمند که او برای نفس خودش احترام قائل نیست که به آن اعتماد کند پس ما چگونه به او اعتماد کنیم؟

۲- وإن خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من أهله و حکما من أهلها إن یریدا إصلاحا یوفق الله بینهما إن الله کان علیما خبیرا [نساء ۳۵] و اگر از جدایی و شکاف میان آنها بیم داشته باشید، داور از خانواده شوهر، و داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند) اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند خداوند کمک به توافق آنها می کند، زیرا خداوند دانا و آگاه است (و از نیات همه با خبر است).

این آیه اشاره به مسأله بروز اختلاف و نزاع میان دو همسر کرده، می گوید: ((اگر نشانه های شکاف و جدائی در میان دو همسر پیدا شد برای بررسی علل و جهات ناسازگاری و فراهم نمودن مقدمات صلح و سازش یک نفر داور و حکم از فامیل مرد و یک داور و حکم از فامیل زن انتخاب کنید)) و از آنجا که قضاوت نباید یک طرفه باشد می افزاید: ((و یک داور و حکم از خانواده زن انتخاب کنید)) سپس می فرماید: ((اگر این دو حکم با حسن نیت و دلسوزی وارد کار شوند و هدفشان اصلاح میان دو همسر بوده باشد، خداوند کمک می کند و به وسیله آنان میان دو همسر الفت می دهد)) و برای اینکه به ((حکمین)) هشدار دهد که حسن نیت به خرج دهند در پایان آیه می فرماید: خداوند از نیت آنها با خبر و آگاه است. «محکمه صلح خانوادگی که در آیه فوق به آن اشاره شد یکی از شاهکارهای اسلام است. این محکمه امتیازاتی دارد که سایر محاکم فاقد آن هستند، از جمله:

اینکه محیط خانواده کانون احساسات و عواطف است و طبعاً مقیاسی که در این محیط باید به کار رود با مقیاس سایر محیطها متفاوت است، یعنی همانگونه که در «دادگاههای جنایی» نمی توان با مقیاس محبت و عاطفه کارکرد، در محیط خانواده نیز نمی توان تنها با مقیاس خشک قانون و مقررات بی روح گام برداشت، در اینجا باید حتی الامکان اختلافات را از طرق عاطفی حل کرد، لذا دستور می دهد که داوران این محکمه کسانی باشند که پیوند خویشاوندی به دو همسر دارند و می توانند عواطف آنها را در مسیر اصلاح تحریک کنند، بدیهی است این امتیاز تنها در این محکمه است و سایر محاکم فاقد آن هستند.

۳- لاخیر فی کثیر من نجواهم إلا من أمر بصدقه أو معروف أو إصلاح بین الناس ومن یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیة اجرا عظیما [نساء ۱۱۴]

در بسیاری از سخنان در گوشه (و جلسات محرمانه) آنها خیر و سودی نیست مگر کسی که (به این وسیله) امر به کمک به دیگران یا کار نیک یا اصطلاح در میان مردم کند، و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

نجوا، جز در موارد استثنایی، ناپسند است، چون سبب سوء ظن میان مؤمنان می شود اما گاهی آشتی دادن میان مردم، ایجاب می کند که با هر یک از طرفین، مخفیانه گفتگو کنیم و نیز اهمیت آبروی مردم، تا حدی است که نجوای ناپسند، به خاطر حفظ آن پسندیده می شود و صدقه و امر به معروف مخفیانه، زشتی نجوا را تحت الشعاع قرار می دهد. خدمت به جامعه، دعوت به نیکوکاری و همزیستی مسالمت آمیز سبب دریافت اجر عظیم است.

۴- وإن امرأة خافت من بعلها نشوزاً أو إعراضاً فلا جناح علیهما أن یصلحا بینهما صلحاً والصلح خیر وأحضرت النفس الشح وإن تحسنوا وتتقوا فإن الله کان بما تعملون خیراً [نساء ۱۲۸]

و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد از پاره ای از حقوق به خاطر صلح صرف نظر کنند) و صلح بهتر است، اگر چه مردم (طبق غریزه حب ذات در اینگونه موارد) بخل میورزند، و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایند) خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

رافع بن خدیج دو همسر داشت، یکی پیر و دیگری جوان. همسر مسن را به خاطر اختلاف هایی طلاق داد و پیش از تمام شدن عده، به او گفت: اگر حاضر باشی به این شرط با تو آشتی می کنم که اگر همسر جوانم را مقدم داشتم صبر کنی، و گرنه پس از تمام شدن مدت عده، از هم جدا می شویم. زن، آشتی را پذیرفت. سپس این آیه نازل شد.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فرمود: این آیه مربوط به کسی است که از همسرش لذتی نمی‌برد و بنای طلاقش را دارد، زن می‌گوید: مرا طلاق نده، اگر خواستی همسر دیگری بگیر و مرا هم داشته باش. (طباطبایی، علامه سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه)

۵- إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلاة فهل أنتم منتهون [مائده: ۹۱]

شیطان می‌خواهد در میان شما بوسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند، و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد آیا (با اینهمه زبان و فساد و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟! شیطان هیچ غرضی از این اعمال خود یعنی خمر و میسر ندارد، مگر ایجاد عداوت و بغضا بین شما، و اینکه به این وسیله شما را به تجاوز از حدود خدا و دشمنی با یکدیگر وادار کند، و در نتیجه بوسیله همین شراب و قمار، شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد؛ و اینکه عداوت و بغضا را تنها از آثار شراب و قمار دانسته از این جهت است که این اثر در آن دو ظاهرتر است، چون معلوم است که نوشیدن شراب باعث تحریک سلسله اعصاب شده و عقل را تخدیر و عواطف عصبی را به هیجان درمی‌آورد، و این هیجان اعصاب اگر در راه خشم و غضب بکار رود معلوم است که چه ثمرات به بار می‌آورد و بزرگترین جنایت را، حتی جنایاتی را که درندگان هم از ارتکاب آن شرم دارند برای شخص مست تجویز میکند، و اگر در مسیر شهوت و بهیمیت قرار گیرد معلوم است که سر به رسوائی درآورده و هر فسق و فجوری را چه درباره مال و عرض خود و چه درباره دیگران در نظرش زینت داده و او را به هتک جمیع مقدسات دینی و اجتماعی و امیدارد، دزدی و خیانت و دریدن پرده محارم خود و فاش کردن اسرار و ورود به خطرناکترین ورطه‌های هلاکت و امثال آن را در نظرش ناچیز جلوه می‌دهد، چنان که آمار ممالک مرفقی که نوشیدن مشروبات الکلی در بینشان رواج دارد نشان داده که درشتترین ارقام جنایات و حوادث ناگوار و فسق و فجورهای شرم آور و ننگین در اثر نوشیدن این آب آتشین است.

۶- يسألونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله وأصلحوا ذات بينكم وأطيعوا الله ورسوله إن كنتم مؤمنين [انفال ۱]

از تو درباره انفال (غنایم و هر گونه مال بدون مالک مشخص) سؤال می‌کنند بگو: انفال مخصوص خدا و پیامبر است، پس از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و میان برادرانی را که با هم ستیزه دارند آشتی دهید و اطاعت خدا و پیامبرش را کنید اگر ایمان دارید.

آیه به سیاق خود دلالت دارد بر اینکه در میان اشخاص مشارالیه به "یستلونک" نزاع و تخصیصی بوده، و هر کدام حرفی داشته اند که طرف مقابلشان آن را قبول نداشته، و تفریمی که در جمله فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم است به خوبی دلت دارد بر اینکه این نزاع و تخاصم در امر انفال بوده، و زمینه این تفریع این است که سؤال در صدر آیه بخاطر اصلاح و رفع نزاع از ایشان واقع شده، گویا این اشخاص در میان خود راجع به انفال اختلاف کرده اند، و سپس به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مراجعه نموده اند تا حکم آن را از آنجناب بپرسند، و جوابی که میشوند نزاعشان را خاتمه دهد.

۷- وإن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بینهما فإن بغت إحداهما علی الاخری فقاتلوا الی تبغی حتی تنفی الی امر الله فإن فاءت فأصلحوا بینهما بالعدل وأتسطوا إن الله یحب المقسطین [حجرات ۹]

هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند در میان آنها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، هر گاه بازگشت (وزیب صلح فراموش شد) در میان آن دو بر طبق عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشه گان را دوست دارد.

۸- انما المؤمنون إخوة فأصلحوا بین أخیکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون [حجرات ۱۰]

مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید.

۹- عسی الله أن یجعل بینکم و بین الذین عادیتهم منهم مودةً والله قدیر و الله غفور رحیم [متحنه ۷]

امید است خدا میان شما و دشمنانتان (از طریق اسلام) پیوند محبت برقرار کند، و خداوند قادر و آمرزنده و مهربان است.

### سوم. قوانین و مصوبات در خصوص شورای حل اختلاف

متن ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی

ماده ۱۸۹ - به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکتهای مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می



گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراها، ترکیب و نحوه اعضای آن براساس آئین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران و به تایید رئیس قوه قضائیه می رسد.

در آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آمده است که ضرورت تشکیل شورا در هر محل اعم از روستا، بخش، شهر و یا محدوده ای از شهر، همچنین حوزه صلاحیت محلی آن را رئیس حوزه قضایی و فرماندار با مشورت شورای اسلامی شهر یا روستا تعیین می نمایند و تشکیل شورا منوط به موافقت رئیس کل دادگستری استان می باشد. البته تا وقتی که شورا در محلی تشکیل نشده یا شروع به کار نکرده و یا به هر علت تعطیل و یا منحل شده باشد رسیدگی به امور مربوط به صلاحیت شورا کماکان با مراجع قضایی مربوط خواهد بود.

عضویت در شورا افتخاری است، لیکن به تناسب وسعت حوزه، میزان فعالیت و آمار کارکرد، پاداش مناسبی به تشخیص رئیس دادگستری استان پیش بینی خواهد شد.

هر شورایی دارای دبیرخانه ای خواهد بود که مسئول آن توسط شورا تعیین و منصوب می گردد و مسئول تنظیم و حفظ پرونده ها و اموری است که برای انجام وظایف شورا ضرورت دارد و کارکنان دبیرخانه توسط حوزه قضایی مربوط، آموزش های لازم را خواهند دید.

شورا از سه عضو تشکیل می شود. یک نفر به انتخاب قوه قضائیه به عنوان رئیس شورا و یک نفر با انتخاب شورای شهر یا بخش یا روستای مربوط حسب مورد و یک نفر معتمد محل توسط هیأتی مرکب از رئیس حوزه قضایی، فرماندار، فرمانده نیروی انتظامی و امام جمعه و در صورت نبودن امام جمعه، روحانی برجسته محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند. جلسات هیئت مذکور به دعوت رئیس حوزه قضایی تشکیل و رای اکثریت در انتخاب معتبر است.

احکام اعضای منتخب توسط ریاست قوه قضائیه یا کسی که از سوی ایشان مشخص خواهد شد، صادر و ابلاغ می شود که در صورت استعفا، فوت و غیبت غیر موجه بیش از چهار جلسه یا از دست دادن یکی از شرایط عضویت در شورا، فرد دیگری به کیفیت مقرر در این آئین نامه به جای او برای بقیه مدت انتخاب می شود.

شرایط عضویت در شورا عبارت است از: الف- تابعیت جمهوری اسلامی ایران ب- التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ج- داشتن حداقل ۲۵ سال سن د- دارا بودن اهلیت قانونی ه- نداشتن سابقه محکومیت کیفری موثر و عدم اعتیاد به مواد مخدر ز- حسن شهرت و عدالت لازم ح- دارا بودن سواد کافی و آشنایی نسبی با موازین فقهی و مقررات قانونی که

فارغ التحصیلان رشته های حقوق، فقه و معارف اسلامی و سایر رشته های علوم انسانی با گرایش علوم اجتماعی و یا معادل آنها با داشتن سایر شرایط از اولویت برخوردارند.

اشخاص ذیل تا وقتی در سمت های شغلی خود هستند، حق عضویت در شورا را ندارند:

الف- قضات و کارکنان اداری دادگستری ب- اعضای نیروهای نظامی و انتظامی ج- استانداران، فرمانداران، روسای ادارات و معاونان آنها و مدیران و اعضای هیئت مدیره شرکت های دولتی د- وکلا، کارشناسان رسمی دادگستری، سردفتران اسناد رسمی و دفتر یاران.

شورا در موارد ذیل صالح به رسیدگی می باشد:

۱- مذاکره به منظور ایجاد سازش بین طرفین در کلیه امور مدنی و همچنین امور جزایی که رسیدگی به آن منوط به شکایت شاکی خصوصی بوده و با گذشت وی تعقیب موقوف می گردد.

۲- حل و فصل دعاوی و شکایت مطروحه با رعایت مراتب ذیل:

### الف- در امور حقوقی

۱. کلیه دعاوی راجع به اموال منقول، دیون، منافع، زیان ناشی از جرم، ضمان قهری در صورتی که خواسته دعوی بیش از مبلغ ۱۰ میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) نباشد.
۲. دعاوی خلع ید از اموال غیر منقول، تخلیه اماکن مسکونی و دعاوی راجع به حقوق ارتفاقی از قبیل: حق العبور، حق المجری، مزاحمت و همچنین ممانعت از حق و تصرف عدوانی در صورتی که اصل مالکیت محل اختلاف نباشد. الزام به انجام شروط و تعهدات راجع به معاملات و قراردادها در حدود صلاحیت در دعاوی مالی.
۳. مهر و موم، صورت برداری و تحریر ترکه.
۴. تامین و حفظ دلایل و امارات.
۵. دعاوی مالی در صورت تراضی کتبی طرفین بدون رعایت حد نصاب.

### ب- در امور کیفری

۱. مراقبت در حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم در جرایم مشهود از طریق اعلام فوری به نزدیک ترین مرجع قضایی یا ماموران انتظامی.

۲. رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر تا پنج میلیون (۵۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی است و یا جمع مجازات قانونی حبس و جزای نقدی پس از تبدیل حبس به جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰/۰۰۰) ریال می گردد.

۳. رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد (بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴)

شورا به کلیه موارد موضوع صلاحیت خود در صورتی اقدام به رسیدگی می نماید که درخواست یا شکایت به صورت کتبی و یا شفاهی مطرح شده باشد. موارد شفاهی در صورت مجلس درج می گردد.

رسیدگی در شورا تابع تشریفات قانون آئین دادرسی نبوده و شورا به طریق مقتضی طرفین را دعوت نموده و اظهارات و مدافعات آنان را استماع و خلاصه ای از آن را صورت مجلس و به امضای اعضا و طرفین می رساند. طرح شکایت یا دعوی، اعتراض و تجدیدنظر خواهی و اجرای آرا در هر مرحله مجانی است.

شورا می تواند اقداماتی از قبیل معاینه و تحقیق محل را به یکی از اعضا ارجاع و یا بر اساس ضرورت، نظر کارشناسی در خصوص موضوع تحصیل نماید.

قوه قضائیه از بین قضات شاغل یا بازنشسته یا مستعفی یا وکلای دادگستری یا اعضای هیئت علمی شاغل یا بازنشسته دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی در رشته حقوق یا از بین سایر افراد فارغ التحصیل در رشته حقوق به شرط دارا بودن شرایط استخدام قضات یک نفر را به عنوان مشاور شورای حل اختلاف انتخاب خواهد نمود.

آرای شورای حل اختلاف نزد مشاور ارسال می گردد در صورتی که مشاور تصمیم شورا را از جهت صلاحیت و مقررات مذکور در این آیین نامه و سایر قوانین مربوط صحیح تشخیص دهد، قابلیت اجرا خواهد داشت. اجرای تصمیم شورا را در دعوی مدنی ظرف پنج روز به متصدی دفتر دادگاه محل یا دبیرخانه شورا ابلاغ خواهد نمود و در امور کیفری مراتب را به ماموران انتظامی جهت اجرای تصمیمات شورا ابلاغ می نماید و در صورتی که مشاور تشخیص دهد که در رسیدگی حدود صلاحیت شورای حل اختلاف و سایر مقررات رعایت نشده است، پرونده را برای رسیدگی به مرجع صلاحیت دار دادگستری ارسال خواهد داشت.

شورا مکلف است در کلیه اختلافات مرجوعه سعی و تلاش نماید تا موضوع به صورت سازش خاتمه یابد، در صورت حصول سازش، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع

شده در صورت مجلس و این صورت مجلس به امضای اعضای شورا و طرفین می رسد. مفاد سازش نامه که به ترتیب فوق تنظیم می شود، نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنان نافذ و معتبر است و در این صورت مانند احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذاشته می شود. در صورتی که شورا رسیدگی به موضوع مطروحه را در صلاحیت خود نداند، در امور کیفری پرونده را جهت طرح دعوا در دادگاه صالح ابلاغ و پرونده مطروحه در شورا را بایگانی می نماید.

شورا پس از رسیدگی طبق نظر اکثریت اتخاذ تصمیم نموده و رای خود را مستدل و موجه به صورت کتبی به طرفین ابلاغ می نماید. رای شورا نباید مغایر با قوانین موجد حق باشد در غیر این صورت فاقد اعتبار خواهد بود. هرگاه در تنظیم و نوشتن رای شورا، سهو قلم رخ دهد؛ مانند حذف یا اضافه شدن کلمه ای و یا اشتباه در محاسبه، شورا راساً با درخواست ذی نفع رای تصحیح می نماید. رای تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد.

رای شورا ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به طرفین قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عمومی حوزه مربوطه است؛ مشروط بر این که اکثریت اعضای شورا با رسیدگی به اعتراض و تجدیدنظر خواهی موافق بوده و لزوم تجدیدنظر خواهی را درخواست نمایند. در صورت تجدیدنظر رای دادگاه قطعی است. آرای غیابی شورا ظرف مدت مذکور قابل واخواهی در همان شورا می باشد.

آرای قطعی در امور مدنی به درخواست ذی نفع و به دستور رئیس شورا با صدور اخطار اجرایی به موقع اجرا گذاشته می شود. چنانچه با ابلاغ اخطار دایره اجرای محکوم له ظرف ده روز حکم را اجرا نمایند، پرونده جهت اقدام قانونی برای اجرای حکم به اجرای احکام دادگاه یا دادگستری محل تحویل می گردد و در امور کیفری در صورتی که محکوم علیه مایل به پرداخت جزای نقدی بود، آن را به حسابی که شورا تعیین خواهد کرد به حساب دولت واریز و قبض سپرده آن را ضمیمه می نماید و در صورت امتناع، پرونده جهت اقدامات اجرایی در امر کیفری به دادگاه یا دادگستری محل تحویل میگردد.

محل تشکیل شورا با مشورت رئیس حوزه قضایی توسط فرمانداری تهیه و در اختیار شورا قرار خواهد گرفت. تامین محل، تجهیزات و وسایل اولیه از امکانات موجود و کمک های مردمی، متناسب با مراجعات به عهده فرمانداری محل است.

نظارت دادگستری رئیس حوزه قضایی در حسن جریان امور شورای حوزه قضایی خود نظارت خواهد نمود و در صورت مشاهده بی نظمی یا تقصیر در انجام وظایفی که به عهده

شورا محول گردیده و همچنین در صورتی که یک یا چند نفر از اعضا به علتی قادر به انجام وظیفه نبوده و یا شرایط ادامه عضویت در شورا را از دست داده باشند، مراتب را به هیئت مقرر در ماده ۴ این آئین نامه جهت اقدام لازم گزارش خواهد نمود.

سوم. پیشینه صلح و سازش در نظام حقوقی ایران اینگونه نیست که مسئله صلح و سازش دارای هیچگونه پیشینه ای نباشد بلکه مواد قانونی تصویب شده از قدیم الایام تاکنون به این امر توجه داشته و آرای قضایی نیز در این خصوص بسیار است که مابرای تعمق و دریافت پیشینه به این موارد اشاره می کنیم.

الف- پیشینه صلح و سازش در قوانین و کنوانسیونها.

- ۱ از قانون آئین دادرسی مدنی .

مبحث سوم - درخواست سازش

ماده ۳۳۵ - هرکس می تواند در مورد هر ادعائی از دادگاه بخش کتبا و یا شفاهاً درخواست نماید که طرف او را برای سازش احضار کند اگر چه رسیدگی به آن دعوی از صلاحیت دادگاه بخش خارج باشد. اصحاب دعوی نیز می توانند متراضیا از دادرسی دادگاه بخش درخواست کنند که بین آنها سازش دهد.

ماده ۳۳۶ - ترتیب احضار برای سازش همانست که برای احضار مدعی علیه مقرر است ولی در احضاریه باید قید گردد که طرف برای سازش به دادگاه دعوت می شود.

ماده ۳۳۷ - بعد از حضور طرفین، دادگاه اظهارات آنها را استماع نموده و تکلیف سازش وسیعی در انجام آنرا می نماید و در صورت عدم موفقیت به سازش تحقیقات و عدم موفقیت خود را در صورت مجلس نوشته به اعضاء طرفین می رساند و هرگاه یکی از طرفین و یا هر دو طرف نخواهند امضاء کنند مراتب را دادگاه در صورت مجلس قید می کند.

۲- از قانون تجارت

ماده ۴۵۸ - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع می باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی رابه صلح خاتمه دهد اگر چه دعوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

۲- آئین نامه اجرایی قانون حمایت قضائی از بیع

ماده ۱۷- به منظور اجرای ماده ۴ این قانون مراجع قضائی مکلفند حتی المقدور همکاری و مساعدتهای لازم را بعمل آورند.

تبصره ۱- دفاتر مذکور موظفند در صورت مراجعه افراد یا اعلام مشکل حقوقی و قضائی از سوی آنان خدمات مشاوره ای و راهنمایی و ایجاد صلح و سازش میان طرفین دعوا و سایر اقدامات لازم را جهت استیفای حقوق قانونی آنها بعمل آورند.

۳- از قانون منشور کنفرانس اسلامی

ماده ۱۲ - تفسیر هر گونه اختلافی که در تفسیر یا اجرای هر یک از مواد منشور حاضر بروز نماید به طور

مسئله آموخته و در کلیه موارد از طریق مشاوره و مذاکره و سازش یادآوری حل و فصل خواهد شد.  
۴- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه ارتقا حمایت و تضمین سرمایه گذاری  
فیما بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی .

ماده ۱۷ - تا زمانی که ارگان معینی برای حل و فصل اختلافات ناشی از این موافقتنامه ایجاد  
گردد، اختلافات ناشیه ، طبق روش و قواعد زیر، از طریق سازش با داوری مورد حل و فصل قرارخواهد  
گرفت ۱: - سازش :الف - چنانچه طرفین اختلاف بر سازش توافق نمایند، توافقنامه سازش باید متضمن شرح  
اختلاف ، ادعای طرفین اختلاف و نام مصلح منتخب باشد. طرفین ذیربط می توانند از دبیرخانه کل بخواهند تا  
مصلح را انتخاب نماید. دبیرخانه کل یک نسخه از توافقنامه سازش را جهت پذیرش و وظایف به مصالح ارسال  
خواهد نمود.

۵- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ میلادی (۱۳۳۳هجری  
شمسی) الهامه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه .

ماده ۳۶- تشریفات سازش ۱- قدرتهای حمایت کننده ، مساعی جمیله خود را در تمام مواردی که تصور  
می نمایند کاربرد آن به نفع اموال فرهنگی است به ویژه اگر عدم توافقی بین طرفهای مخاصمه در مورد اجراء  
یا تفسیر مفاد این پروتکل وجود داشته باشد، به کار خواهند بست. ۲- بدین منظور هر قدرت حمایت کننده می  
تواند به دعوت یک طرف ، مدیر کل یا به ابتکار خود اجلاسی از نمایندگان طرفهای مخاصمه و به ویژه مقام  
های مسئول حمایت از اموال فرهنگی را در صورتی که مناسب بداند در سرزمین دولتی که طرف مخاصمه  
نیست ، پیشنهاد نماید. طرفهای مخاصمه ملزم خواهند بود به پیشنهادهای برگزاری اجلاس که به آنها ارائه می  
شود، ترتیب اثر دهند. قدرتهای که به وسيله مدیر کل تعیین شده به طرفهای مخاصمه پیشنهاد خواهند نمود تا  
در صورت تصویب آنها برای شرکت در جلسه در مقام رئیس دعوت گردد.

ماده ۳۷- سازش در غیاب قدرتهای حمایت کننده ۱- در مخاصمه ای هیچ قدرت حامی تعیین نشده باشد،  
مدیر کل می تواند مساعی جمیله یا عمل به موجب اشکال دیگر سازش بامیانجی گری را به منظور حل اختلاف  
مقرر بدارد.

۲- به دعوت یک طرف یا مدیر کل ، رئیس کار گروه می تواند به طرفهای مخاصمه ، برگزاری اجلاسی  
مشکل از نمایندگان آنها و به ویژه مقامهای مسئول حمایت از اموال فرهنگی را اگر مناسب بداند در سرزمین  
دولتی که طرف مخاصمه نیست پیشنهاد نماید.

ب- پیشینه صلح و سازش در احکام دادگاهها.

## ۱- صلح باخيار مادام العمر.

### رای شورای عالی ثبت

زوج به زوجه وکالت بلاعزل داد که سه دانگ مشاع خانه اورا نامدت دهسال بخود منتقل  
کند و ضمن عقد لازم شرط شده که هرگاه زوج عملی کند که موضوع وکالت را منتفی  
گرداند صد هزار تومان به زوجه بدهد. زوج در ۱۸/۱۱/۴۵ خانه را بدو فرزند خود (باحق خیار فسخ مادام  
العمر برای خود) صلح محاباتی کرد. در تاریخ ۱۲/۱۱/۴۵ دفترخانه به او اخطار کرد و وجه التزام  
را بدهد و سپس اجرائیه صادر و ابلاغ شد و تقسیط دین به عمل آمده که مورد اعتراض زوجه واقع

شد و رئیس اجرا اعتراض وارد کرد. هیات تجدیدنظر برای رئیس اجرا افسخ کرده این دلیل که انتقال خانه با حق فسخ کاشف از تمکن زوج در پرداخت دین دفعتاً واحده می باشد. بعد از وجین قضیه ربه سازش پایان دادند.

جعفری لنگرودی . محمدجعفر آراشورا یعالی ثبت و شرح آن صفحه ۱۷۴-۱۷۳

## ۲- خاتمه یافتن موضوع با سازش.

تاریخ رسیدگی : ۱۴/۱/۷۳ شماره دادنامه : ۲/۳ مرجع رسیدگی : شعبه سوم دیوان عالی

کشور

خلاصه جریان پرونده : در تاریخ ۱۷/۶/۶۹ ورثه (ذ) به نامهای ۱- (ر) ۲- (س) ۳- (گ) ۴- (ز) دادخواستی به طرفیت آقای (ح) به شعبه اول دادگاه حقوقی ۱ گرگان تقدیمی و توضیح داده اند که خوانده وکیل آقای (م) بوده و بابت وصول مبلغ پانصد هزار ریال علیه مورث ما مرحوم (ذ) اقامه دعوی کرده که در جریان دادرسی مورث ما با آقای (م) سازش نموده و بدهی آقای (م) پرداخت گردیده و به همین مناسبت آقای (م) طلبکارنامه ای به وکیلش آقای (ح) نوشته که موضوع به سازش خاتمه یافته فلذا دعوی مخومه گردد. معذالک آقای (ح) با سوءنیت پرونده را تعقیب و اجرائیه صادر نموده و حتی تلفن ما را به مزایده گذاشته بنابر این و با توجه به فتوکی دو فقره نامه ای که ضمیمه است و موید پرداخت این از ناحیه مورثمان می باشد تقاضای توقیف عملیات اجرائی و ابطال اجرائیه را داریم.

که در نهایت این پرونده با صلح و سازش مخومه شد. (بازگیر بدالله، ۱۳۷۹، صلح و اجاره و احکام راجع به آنها)

## ۳- تهمت و افتراء

شماره دادنامه : ۲۷/۱۰/۷۴ ۸۱۳ مرجع رسیدگی : شعبه ۴۶ دادگاه عمومی تهران

### رای دادگاه

در خصوص اتهام آقای (الف) فرزند .... دایر به تهمت و افتراء با توجه به اظهارات و مدافعات متهم و محتویات پرونده و تحقیقات انجام شده و صورتجلسه تنظیمی مورخ ۱۲/۷۳/۱۸ به لحاظ فقد دلیل و یا استفاده قاعده اصل البرائه متهم را از اتهام انتسابی تبرئه می نماید. در مورد شکایت آقای (الف) علیه آقای (ب) دایر به ایجاد مزاحمت به لحاظ گذشت در محضر دادگاه قرار موقوفی تعقیب صادر می شود. رای حضوری ظرف مهلت مقرر قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان می باشد.

رای شعبه ۴۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در خصوص تجدیدنظرخواهی از رای فوق الذکر: در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای (ب) از دادنامه شماره ۲۷۸۱۳/۱۱/۷۴ صادره از شعبه ۴۶ دادگاه عمومی تهران نظر به اینکه پرونده موضوع تهمت و افتراء به صلح و سازش خاتمه پذیرفته است موضوع از شمول مقرات ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات خارج بوده لهذا با رد اعتراض تجدیدنظرخواه دادنامه تجدیدنظرخواسته رانتهجتاً تائید و استوار می گردد.

### طرح پرسشنامه:

در این پرسشنامه از روش توضیحی استفاده شده است زیرا ما فقط به دنبال نگرش های آماری نبوده ایم بلکه نظرات فنی افراد، مورد توجه بوده است و طبیعی است که در پرسش های فنی، سوالات گزینه ای نمی تواند پرسش گر را به مطلوب برساند. نکته دیگر این که پرسشنامه در میان اعضای شوراهای حل اختلاف شهرهای استان مازندران مطرح گشته و اعضای این شوراها تمایل داشته اند که به صورت بی نام به این سوالات پاسخ گویند و نیز این پرسش ها به لحاظ فنی بودن از چند قاضی و وکیل نیز صورت گرفته است.

تعداد افرادی که مورد این پرسش ها قرار گرفته اند در مجموع ۴۰۰ نفر می باشند که شامل ۱۰۰ نفر اعضای شورا و ۳۰۰ نفر مراجعین می باشند که در میان مراجعین وکلای مشاهده می شوند. ما در اینجا تنها به نتیجه گیری از تحقیقات علمی و پرسشنامه ای بسنده می کنیم.

### نتیجه گیری:

- ۱- دین مبین اسلام بر منزلت شورا تأکید فراوان نموده است. آیات و روایات بیشماری بر این موضوع دلالت دارد پیامبر و ائمه معصومین نیز بر انجام امور با مشورت و شورا تأکید داشته اند.
- ۲- امروز کارشناسان دنیا معتقدند به تمام اختلافات نباید در دادگستری ها رسیدگی شود و موضوع واگذاری حل اختلاف و امور مربوط به قضا به مردم نه یک کار جدید بلکه در فقه اسلام نیز بدان تأکید شده که تا قبل از این مورد توجه واقع نشده بود. برای مشارکت دادن مردم در کارهای مربوط به خودشان لازم است مسئولیت هایی به آنها واگذار شود که انجام این کار به تحقق مرد سالاری دینی کمک خواهد کرد.
- ۳- اعضای شورای حل اختلاف در سه زمینه اصلاح ذات البین طرفین دعوی کیفری، جلوگیری از فرار متهم، حفظ آثار جرم، و رسیدگی به صدور حکم در خصوص جرایم



- مصرح در آیین نامه دارای اختیار هستند. رسیدگی در شوراهای تابع تشریفات آیین دادرسی نیست و آراء شورا قابل تجدید نظر در دادگاههای عمومی می باشد.
- ۴- شورای حل اختلاف پدیده جدیدی در عرصه قضایی کشور به شمار می رود. با اجرای این طرح در سال های اخیر بسیاری از مشکلات مردم در شورای حل اختلاف محله، حل و از اتلاف وقت و هزینه توسط دادگاه هاجلوگیری به عمل آمده است.
- ۵- مهم ترین نقطه قوت این شوراهای محلی بودن آن است. اعضای این شوراهای با توجه به وضعیت و شرایط فرهنگی- اجتماعی منطقه به فعالیت در آن می پردازند.
- ۶- رسالت شوراهای حل اختلاف ایجاد صلح و سازش است و اگر بیشتر امور در این شوراهای به صدور رای منجر شود از رسالت اصلی خود باز می مانند.
- ۷- نکته ای که حدود صلاحیت شوراهای حل اختلاف را در رسیدگی و صدور حکم در امور کیفری زیر سؤال می برد، تعارض بین آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ و قواعد آیین دادرسی است.
- ۸- طولانی بودن زمان رسیدگی به دعوی مردم در محاکم قضایی از مشکلات کشور بوده و شوراهای حل اختلاف در کاهش زمان رسیدگی به پرونده های اختلافات وب عمل کرده اند.
- ۹- اصل تخصص قاضی، تخصص دادگاه، و صلاحیت دادگاه در امور کیفری جایگاه محکمی دارد و تزلزل این جایگاه می تواند پایه های عدالت را متزلزل گرداند. آیین نامه اجرایی شورای حل اختلاف از یک سو برای شورا، اختیاراتی بالاتر از اختیارات دادگاه قائل شده و از سوی دیگر در تعیین شرایط لازم برای تصدی عضویت شورا تسامح کرده است.
- ۱۰- از آغاز فعالیت شوراهای حل اختلاف، پرونده های ارجاعی به دادگستری ها به طور چشمگیری کاهش یافته و همین امر ضرورت توجه هرچه بیش تر به آنها را می طلبد.
- ۱۱- نام شوراهای حل اختلاف تنها چیزی را که به ذهن متبادر می کند حل و فصل اختلافات و ایجاد صلح و سازش میان مردم است؛ اما در عمل دیده می شود آنچه از اهمیت کمتری برخوردار است حل اختلاف بوده و می توان دلایل آن را به شرح زیر عنبران کرد:
- نخست این که برابر آیین نامه شوراهای حل اختلاف و بر مبنای آنچه اکنون در شوراهای متداول است، پرونده هایی به شورای حل اختلاف ارجاع می شوند که اصلاً جنبه خصوصی ندارند و تنها در برگیرنده جنبه عمومی هستند، مانند رانندگی بدون پروانه یا تامین دلیل در امور حقوقی یا موارد دیگر که مشخص نیست در این موارد چگونه حل اختلاف ممکن است؟ و آیا اصلاً چنین مواردی با نام شورای حل اختلاف تناسب دارد؟ پاسخ این پرسشها به یقین منفی است و

معلوم نیست چرا این گونه پرونده ها باید در شورا مورد رسیدگی قرار گیرند و وقت شورا که می تواند به حل و فصل اختلافات اختصاص یابد با این گونه مسایل تلف می شود.

۱۲- در صدر اسلام پیامبر گرامی ما از مسجد فقط بعنوان یک عبادتگاه استفاده نمی کرد و در مسجد داوری و حل اختلاف نیز صورت می گرفت و در همین راستا نیز از سوی قوه قضائیه طرح جالبی در زمینه راه اندازی دفاتر شورای حل اختلاف در مساجد در حال اجراست .

۱۳- تخصصی شدن شوراهای حل اختلاف ، گامی مهم در حل مشکلات مراجعه کنندگان بوده و برای اینکه نظرات شوراهای حل اختلاف تخصصی باشد باید خود شوراهای نیز تخصصی شوند یعنی هر صنف باید دارای شورای حل اختلاف مخصوص به خود و متشکل از معتمدین و متخصصین آن صنف باشد .

۱۴- اعضای شورا از وضعیت بودجه ای آن ناراضی بوده و امید است نمایندگان مجلس با تقویت شوراهای حل اختلاف در بخش تامین بودجه و امکانات ، بیش از پیش در عرصه جلوگیری از اطاله دادرسی نقش آفرینی کنند.

۱۵- با اینکه فلسفه شکل گیری شوراهای حل اختلاف در مراکز شهری و روستایی کمک به دستگاه قضایی برای کاهش پرونده های موجود در دادگاهها عنوان شده اما در برخی موارد عملکرد این شوراها عملاً موجب اطاله دادرسی شده است زیرا با اینکه در این شوراها شخصیت‌های معتمد و موجهی حضور دارند اما بدلیل عدم آشنایی اولیه آنان با قوانین حقوقی مدنی و کیفری ، متاسفانه برخی قضاوتها و اظهارنظرهای روسا و اعضای این شوراها بسیار سطحی بوده و موجب اطاله دادرسی شده است .

۱۶- عدم توجه کافی رسانه‌ها به بحث شوراهای حل اختلاف باید با کار بیشتر جبران شود. رسانه‌ها در آشنا کردن شهروندان نسبت به این نهاد تازه تاسیس مسوولیت دارند. باتوجه به کمبود قاضی در این استان وجود شوراهای حل اختلاف این کمبود را تا حدودی جبران کرده است . ما از رسانه‌ها توقع داریم که این تجربه خوبی که ایران به کار گرفته است را به مردم معرفی کنند.

### منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. آئین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۳/۱۵ و اصلاحات .
۳. بازگیر، عبدالله. کتاب صلح و اجاره و احکام راجع به آنها . انتشارات ققنوس. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران . ۱۳۷۹.

۴. طباطبایی، علامه سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. دارالکتب اسلامیه تهران ۱۳۷۶ ه. ق.
۵. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۰۹/۱۲.
۶. قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق.
۷. قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آئین دادرسی مدنی.
۸. قانون منشور کنفرانس اسلامی تاریخ تصویب: ۲۳/۱۱/۱۳۵۱.
۹. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴.
۱۰. میلادی (۱۳۳۳ هجری شمسی) لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه تاریخ تصویب: ۰۵/۰۴/۱۳۸۰.
۱۱. لنگرودی. محمدجعفر جعفری. ۱۳۶۷. آرای شورای عالی ثبت و شرح آن. انتشارات گنج دانش. تهران.
۱۲. مجلسی. محمد باقر. بحار الانوار. مؤسسه الوفاء. بیروت. ۱۹۸۳ م.
۱۳. مجموعه قانون تجارت. انتشارات گنج دانش. تهران. ۱۳۶۹.
۱۴. مجموعه قوانین حقوقی. مؤسسه انتشارات فردوسی. تهران. ۱۳۶۷.
۱۵. مجموعه قوانین جزایی. انتشارات دانشور. تهران. ۱۳۷۰.
۱۶. مجموعه قوانین ثبتی. انتشارات گنج دانش. تهران. ۱۳۷۰.
۱۷. مجموعه قانون مدنی. مؤسسه انتشارات فردوسی. تهران. ۱۳۶۷.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی